

در طریقت مسلمانی

در بیان مرام اخلاقی و انسانی بنیان و عالمان دینی

www.ketab.ir

سیدهادی طباطبائی



طباطبایی، سیدهادی، ۱۳۶۱ -	:	سرشناسه
در طریقت مسماتی (از پیامبری رحمانی تا سیدعلی سمستانی) / سیدهادی طباطبایی.	:	عنوان و نام پدیدآور
تهران: نشر کویر، ۱۴۰۰.	:	مشخصات نشر
۱۴۸ ص.	:	مشخصات ظاهری
978-964-214-338-2:	:	شابک
فیفا	:	وضعیت فهرست نویسی
کتابنامه: ص. ۱۳۷-۱۴۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.	:	یادداشت
نمایه.	:	یادداشت
مجتهدان و علما	:	موضوع
Ulama'	:	موضوع
چهارده معصوم	:	موضوع
*Fourteen Innocents of Shiite	:	موضوع
اسلام -- مطالب گونه‌گون	:	موضوع
Islam -- Miscellanea	:	موضوع
BP۲۲/۸	:	رده بندی کنگره
۲۹۷۶۱	:	رده بندی لیویی
۷۲۷۱۳۲	:	شماره کتابشناسی ملی
فیفا	:	وضعیت رکورد



انتشارات کویر

در حریت مسلانی

در میان مرام اخلاقی و انسانی بنیان و عاملان دینی

سیدهادی طباطبایی

طراح جلد: سعید زاشکانی، امور فنی و صفحه‌آرایی: انتشارات کویر

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: غزال • شمارگان: ۵۰۰ • چاپ اول: ۱۴۰۰

شابک: 978-964-214-338-2 • ISBN: قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، کریم‌خان زند، ابتدای قائم‌مقام‌فراهانی، کوی یکم، شماره ۲۰، ساختمان کویر

کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۱ • تلفن: ۸۸۳۰۱۹۹۲ - ۹ - ۸۸۳۴۲۶۹۸ • نمابر: ۸۸۳۴۲۶۹۷



Kavirbook@gmail.com



KavirPublishingCo



Kavir.Pub

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازهٔ مکتوب ناشر ممنوع است

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۳	محمد مصطفی (ص)؛ مواجهه با مخالفان
۱۵	علی بن ابیطالب؛ مرام حقه‌ی خود پیشه کردن
۱۷	فاطمه زهرا (س)؛ در بیان حکمت احکام
۱۹	حسن بن علی؛ گره‌گشایی از کار مردمی
۲۱	حسین بن علی؛ مواجهه با مخلوقات خداوندی
۲۲	علی بن الحسین؛ تَحذیر بر عالمان دین
۲۴	محمد بن علی الباقر؛ دینداری لقلقه‌ی لسانی
۲۶	جعفر بن محمد صادق؛ معیشت نه در گرو شریعت
۲۸	موسی بن جعفر؛ رفع مصائب رعیت
۳۰	علی بن موسی الرضا؛ بخشش کریمانه
۳۲	محمد بن علی الجواد؛ احترام بی‌خرم جامعه
۳۳	علی بن محمد الهادی؛ مدارا در مواجهه با سلطوت
۳۵	حسن بن علی العسکری؛ تبلیغ به غیر زبان
۳۷	ابن عقیل عمانی؛ رهایی از وسواس
۳۹	ابن قولویه؛ عمل به آداب زیارت
۴۱	شیخ صدوق؛ ادب مقام تحقیق
۴۳	شیخ مفید؛ پای عقل در میان است
۴۵	ابن سینا؛ آنچه نباید دل‌بستگی را نشاید
۴۷	سید مرتضی علم الهدی؛ دست به دامان قَسَم
۴۹	شیخ طوسی؛ دو آفت دینداری
۵۱	سلار دیلمی؛ عدم جواز صلاه جمعه
۵۲	ابوحامد غزالی؛ قدم در طریقت تحقیق
۵۴	شیخ شهاب الدین سهروردی؛ رانحه‌ی حقیقت در ملل دیگر
۵۶	سید بن طاووس؛ اعتقاد نحیف و اعمال کثیر
۵۸	جلال الدین محمد بلخی؛ در منزلت و مرتبت نسوان

- ۶۰..... علامه حلی؛ تسهیل امرِ دینی
- ۶۲..... شهید اول؛ مرارتِ عالمانه
- ۶۴..... فاضل مقداد؛ احکام دینی و علومِ امروزی
- ۶۶..... ابن فهد حلی؛ کرامتِ معنوی و جسارتِ علمی
- ۶۸..... شهید ثانی؛ اسرار الصلوه
- ۷۰..... مقدس اردبیلی؛ زنان بر کرسی قضاء
- ۷۲..... صدرالدین شیرازی؛ ظاهر و باطن دینداری
- ۷۴..... ملامحسن فیض کاشانی؛ حرمت یا حلیتِ موسیقی
- ۷۶..... محقق سبزواری؛ مذمت اهل دنیا
- ۷۸..... محمد امین استرآبادی؛ افراط در نقل گریابی
- ۸۰..... محمد تقی مجلسی؛ روایاتی پیش برنده
- ۸۲..... قاضی سعید قمی؛ اسرار احکام
- ۸۴..... علامه مجلسی؛ اثری چالش برانگیز
- ۸۶..... آقا جمال خوانساری؛ خرافه زدایی
- ۸۸..... شیخ یوسف بحرانی؛ مدارای علمی
- ۹۰..... وحید بهبهانی؛ مقابله با لجاجت بر سر دین
- ۹۱..... ملا مهدی نراقی؛ پشتوانه‌های دینی اخلاق
- ۹۳..... سید مهدی بحرالعلوم؛ التفات به امور عقل پذیر
- ۹۵..... میرزای قمی؛ تحذیر از معاشرت با حاکمان
- ۹۷..... سید شفتی؛ تأثیر شفقت در حق حیوانی
- ۹۸..... شیخ جعفر کاشف الغطاء؛ خصمی برون و خصمی در اندرون
- ۱۰۰..... ملا احمد نراقی؛ شکوفایی استعداد آدمی
- ۱۰۲..... محمد حسن نجفی؛ به احترام عرصه‌ی عمومی و عرف اجتماعی
- ۱۰۴..... مرتضی انصاری؛ احتیاط در پذیرش مسئولیت
- ۱۰۶..... میرزای شیرازی؛ استماع اندیشه‌ی دیگری
- ۱۰۸..... فاضل شریانی؛ مهرورزی بی چشمداشت
- ۱۱۰..... آخوند خراسانی؛ همقدم با دنیای جدید

مقدمه

درود بی قیاس مَر پیامبری را سزااست که بنای مکتبی کریمانه نهاد. مکتبی که تعلیم مدارا می‌کرد؛ مشق شفقت می‌آموخت؛ در به روی صغیر و کبیر، فقیر و غنی، عارف و عامی می‌گشود. سیدالمرسلین اگر خاکروبه بر سرش می‌ریختند و اگر تیغ جفا در مقابلش می‌کشیدند، اما نتوانستند که او را اسیرِ مرامِ ناروای خود کنند. او منشِ مدارا جوینده‌ی خود پیشه کرده، در مقابل منتقدان و مخالفان و سنگ پراکنان هم از مَشی خود پای پس نکشید. خواست تا نهالی نهد که در مقابل تروشرویها و تلخیها سر خم نکند و گردی بر آن ننشیند. رنج آدمیان بر او سخت می‌آمد که «عزیزٌ علیہ ما عنتم». بر هدایت عالمیان بی‌تاب بود که «خریصٌ علیکم». و بر مؤمنان شفقت می‌ورزید که «بالمؤمنین رُوفٌ رحیم».

و رحمت و مغفرتِ خداوندی عالمانی را که طریقت نبوی دیدند و برجان نشانند و بر سیل آن مشی روزگار گرفتند ادبِ مسلمانی دانستند و به فحوای کلام نبوی واقف آمدند و بر دگران هم آموختند و شجره طیبه‌ای پروراندند. و امروز چهارده قرن از کاشت آن نهالِ مسلمانی می‌گذرد بسیاری به آن دل داده‌اند. بسیاری به آن راغب آمده‌اند و در هوايش دم می‌زنند و احوال خوشی نصیب می‌برند. آب رحمت و ماء هدایتی است بسیاری را که «بهدی به کثیراً».

این اما یک سوی ماجراست؛ که سویه‌ای دگر هم در مقابل است. بسیاری تابِ همرهی نداشته از میدان به در شده و ثمری از شجره مسلمانی نیندوختند؛ که «بِضُلِّ کثیراً». بسیاری خواستند تا نهالِ مسلمانی شاخ و برگی نگیرد، ریشه‌اش به آبی نرسد، زاله‌ای بر لاله‌اش ننشیند، دلی نرباید و محفلی به چراغِ مسلمانی روشن نگردد. غافل از آنکه:

چراغی را که ایزد بفروزد هر آنکس پف کند ریشش بسوزد

آن نهال نوپایی که سیدِ رسولان در صحرای عربستان کاشت هر زمان به طوفانهایی گرفتار آمد. گاه بوجهل صفتانه بر آن خُرده گرفتند. گاه به شیطنت قدم

برداشته، آیاتِ شیطانی نگاشتند. ردای سیاه بر تن سپاهیان عراق و شام کردند و سینه آفریدند و نام مسلمانی بر جبینش نهادند. و امروزه به طعن و تحقیف، سُخره و استهزاء روی آورده، عرصه‌ی مجازی را علم کرده و از آن مدد گرفته‌اند.

اما وعده‌ی حضرتش بود که: «إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ».

در این میانه اما برخی خواستند تا به دفاع از مرامِ نبوی برآیند، و دریغا و حسرتا که ناروا فهمی از اسلام و مسلمانی عرضه داشتند. گویی خود تیشه بر گرفته بودند و به ریشه‌ی اسلام می‌زدند. جانِ آدمیان را حرمت نمی‌نهادند. فهمِ دگران را در نظر نمی‌آوردند. به اجبار و الحاح و اکراه خواستند که عالمیان را رهنمون کنند. گاه ترش‌رویی کردند؛ گاه خللی در کارِ خَلْقی نمودند. انگشت در چشمِ منتقدان و مخالفان فرو آوردند؛ به این توهّم که طریقتِ مسلمانی ترویج می‌کنند. این سیرت اما با سنگ پراتی و سنگ صفتی فاصله‌ها دارد.

در بهاران کی شود سرسبز سنگ خاک شو تا گل بروید رنگ رنگ
سالها تو سنگ بودی محرابش آزمون کن یک زمانی خاک باش

اینک ماییم و تجربه چهارده قرن سیرت سلیم مسلمانی. این اثر کوشیده است تا به پشتوانه‌ی مرامِ عالمیان، فرهیختگان و نیک سیرت‌ان اسلامی، طریقتی را در مقابل نهد و از آن درسی برای امروز بگیرد. طریقتی که امروز داعیان بسیاری دارد. داعیانی که گاه رسمِ این طریقت را به نیکی نیاموخته‌اند. تمسک به سیره فحول دینی می‌تواند صحیح از سقیم را نشان دهد. عالمانی که یکی پس از دیگری آمدند، رسالتِ نشان دادنِ سیره نبوی بر عهده داشتند و قدمی در آن نهادند.

و امروز در شارع الرسولِ نجف، سیدی بر سریر زعامت تکیه زده و جهانیان را به صلح فراخوانده و طریقتی را تصویر می‌کند. طریقتی که از پیامبری رحمانی آغاز شده و تا سید علی سیستانی ادامه یافته است. سبکی از زندگانی که طریقتِ مسلمانی نام دارد.